



کاشی لعابدان، سربازان جاویدان
شوش، ماخذ: محمد پناه، ۱۳۸۶



بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی*

بی بی زهرا موسوی** دکتر حبیب الله آیت الهی***

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۳/۱

چکیده

پارچه های زیبا و با شکوه همواره از ویژگی های اصیل و بارز مشرق زمین به شمار می رود، زیرا لباس به منزله جلوه ای از هنر، منشاء شرقی داشته و به نوعی نشان دهنده اقتدار، تجمل و شکوه پوشاک آسیا است. در این مقاله نقوش پارچه ها در سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی مورد مطالعه قرار گرفته است. به این منظور ابتدا با اشاره به مذهب، فرهنگ، نماد و اعتقادات هر دوره نقوش شاخص به کاررفته در لباس ها و منسوجات آن دوران بررسی و تغییرات هر دوره مورد توجه قرار گرفته است. هنرمندان بافنده در دوره های یاد شده ضمن توجه به سلیقه های عمومی و مورد نظر مردم هرگز نسبت به ابداع و نوآوری بی تفاوت نبودند و کوشش آن ها براین بوده که منسوجاتی با کیفیت و طرح و نقش متفاوت عرضه کنند. به همین دلیل این حرفه در گذشته رونق زیادی داشت و با توجه به تنوع نقوش می توان اظهار کرد ایران باستان از دستگاه های مجهز بافندگی به ویژه در دوره ساسانی برخوردار بوده است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و تحلیلی و شیوه جمع آوری اطلاعات آن کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی

تغییرات، نقوش، منسوجات، هخامنشی، اشکانی، ساسانی.

*این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر با عنوان طراحی پوشاک و نقوش آن در پارچه های هخامنشی، اشکانی و ساسانی می باشد.

**کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email: SaraMousavi58@yahoo.com

***دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران Email: habibb_ayat@yahoo.fr

مقدمه

بافتن پارچه های ابریشمی و زری با رنگ های دل انگیز بیست و پنج سده پیش در ایران رایج بود. لباس های ایرانیان دارای نقش و نگار و انواع گل و برگ بود و شلووارهای آن ها زری دوزی شده و دارای خطوط متوازی بود. در عصر هخامنشی، ایرانیان نساجی را به خوبی می دانستند و درفصول سرد، خز و پوست حیوانات برای لبه دوزی و آستر به کار می رفت و گاه پارچه ها و جامه ها را زری دوزی می کردند و بافتن فرش نیز در میان ایشان رواج داشت. بی شک اعتقادات مذهبی هر ملتی در بسیاری از مظاهر زندگی معنوی و مادی آن ها نمود می یابد و هر جامعه ای به نحوی خاص، عقاید مذهبی خود را با اشکال و رموز مختلف بر روی آثار مختلف پیرامون خود منعکس می سازد. مذهب نیز در تزیین پارچه ها نقش بسیار مهمی داشته است. در تزیین پارچه های قدیمی ایران آثار مذهبی هم دخالت داشته اند زیرا در اغلب آن ها بته «هوم» یا گیاه مقدس زردشت و تصویر آتشکده ها دیده می شود.

این دو شعار مذهبی که همیشه در میان دو حیوان یا دو مرغ که مقابل هم ایستاده اند قرار دارند، هرچند رطی سده ها این شیوه آرایه فراموش شده است اما روبه رو بودن دو حیوان یا دو چیز از میان نرفته و مشخصه منسوجات قدیمی ایران است. معمولاً این پارچه ها با صور خیالی مانند حیوانی که بدن آن به شکل اسب است و شاخی در پیشانی دارد و یا طاووس هندی که گاهی آدمی بر آن سوار شده و همچنین به شکل انسان، عقاب، ببر، یوزپلنگ و سایر حیواناتی که در ایران و هندوستان وجود دارند و انواع گل و ریحان و درختان سیب و نارنج تزیین یافته اند» (دالمانی، ۱۳۲۸، ۷۵) بنابراین پژوهشگران در مطالعه هنر و آثار هنری دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نباید از نمودگرایی هنرمندان ایرانی غافل بمانند. جهان باستان دنیای رازها و رمزهاست و بیم و هراس ها و باورهای گوناگونی که در میان مردمان رواج داشته است و این نقش و نگاره بافته ها و پارچه های دوران مورد اشاره تنها برای زیبایی و آرایش جامه ها نبوده است.

بلکه دارای معانی بسیاری است و همچنین بعضی از این نقش ها که نمونه های اندکی از آن ها باقی مانده تنها در پارچه شلووارهای بلند و برخی نیز در پارچه قبا و پاره ای نیز در هر دو به کار می رفته و تعداد دیگری از نقوش مورد استفاده در پارچه ها، نقوش نمادین بوده است. برخی از نقش ها فقط مختص شاه و بزرگان بوده و بعضی برای هدیه دادن تهیه می شده است.

هدف این تحقیق بررسی منسوجات سه دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی است و روش تحقیق در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی است. نویسندگان از طریق اطلاعات به صورت کتابخانه ای در صدد بررسی نمونه هایی از نقوش سه دوره تاریخی مورد بحث می باشند.



تصویر ۱- یکی از نقش های تزیینی پارچه هخامنشی در تخت جمشید ماخذ: رحیمی، ۱۳۸۵، ۱۹۲

هخامنشیان

هخامنشیان سلسله پارسی بودند که توانستند در سده ششم ق م امپراتوری را بنیان گذارند که مرزهای آن از خاور به هندوستان و از باختر به مصر می رسید. این سلسله با پادشاهی کوروش کبیر در ۵۳۰ ق م آغاز شد و با قتل داریوش سوم در ۳۳۰ ق م به دست اسکندر به پایان رسید. (وسیهور، ۱۳۷۷، ۱۸) «دین متقدم هخامنشیان نوعی یکتاپرستی بوده و اهورامزدا، خداوند بزرگ است که آفریننده کل جهان مادی و مینوی است، او داور بزرگ و پشتیبان «اشه» - راستی و دشمن دروغ است و امشاسپندان جلوه های اویند» (بهار، ۱۳۷۵، ۴۲) در جهان باستان، عقاید مذهبی مایه اصلی و عنصر اساسی هنرها به شمار می رفت و در آن دوران، هنر در خدمت مذهب بود و همواره برای بیان مسایل مربوط به مذهب به کار می رفت و برای بیان مفاهیم مجرد و توضیح امور معنوی و مذهبی از هنرهای گوناگون و از رموز، اشارات و نمادهای مختلف استعانت می جستند و از این طرز بیان نمادین به شدت و وسعت و قدرت فراوان استفاده می کردند. (نکاء، شماره ۱۲۴، ۱۶)

شواهد موجود نشان از اهمیت هنر پارچه بافی در دوران هخامنشیان دارد. گوید در آن دوران در هر خانه ای یک دستگاه بافندگی بود که نیاز خانواده را برطرف می کرد. چنان که همسر شاه، لباس های وی را می بافته است. بر اساس نوشته های تاریخ نویسان، بیش تر پارچه ها از پشم و پنبه و کتان بافته می شد. اسناد به دست آمده اخیر حاکی از این است که از دوران باستان و شاید پیش از هخامنشیان در آسیای میانه به ویژه در سفد ۱ به کار بردن پارچه های ابریشمی در ایران هخامنشی رایج بوده و کلافه های ابریشم چین در کارگاه های همدان و شوش و بسیاری از شهرهای دیگر ایران به پارچه تبدیل می گردیده است. (الوند، ۱۳۶۲، ۶۸) (تصویر ۱)

دوره بوده، دیده می شود. یکی دیگر از نقوش بافته های این دوره نقش قرص خورشید است که هشت پرتو به شکل محصور در دایره می باشد.

این نقش نیز نماد فروغ خورشید و مظهر مهر است. از نقش های دیگر می توان برج های کنگره دار را که شاید نماد آتشکده و پرستشگاه ها بوده، نام برد. همچنین خطوط پهن موازی با دندانان و نقطه، نقش شطرنجی، نقش راه راه، نقش خطوط پهن چپراس یا هفتی هشتی، نقش لوزی ها و چهارگوش ها و نقش هایی شبیه بته جقه، از نقش های دیگر رایج در بافته ها و پارچه های این دوره است. نقش معتبر این دوره نقش شیریه با دهانی گشوده و دمی برافراشته است. (تصویر ۲)

نقش دیگر متشکل از سه دایره با سه اندازه مختلف، شکل های هفت هشتی مانند است که در حقیقت از همان نقوش مثلثی شکل مصری می باشد اما در این زمان این نقش اغلب به صورت حاشیه مورد استفاده قرار گرفته است. (تصویر ۳)

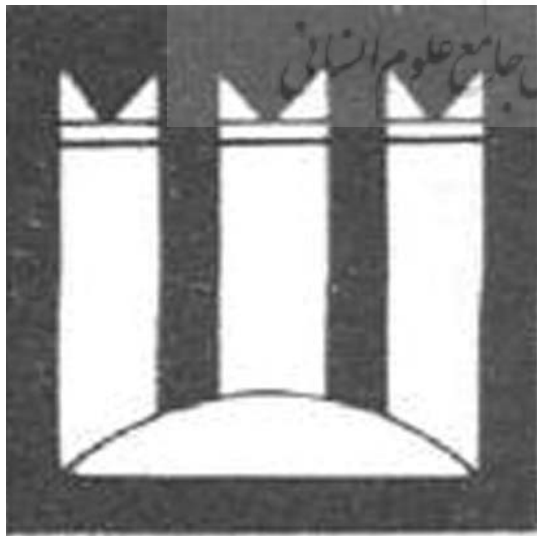
شکل های چهار ضلعی که روی ضلع تحتانی شکل نیم دایره و منحنی شکل مانند یک تپه قرار گرفته و روی آن سه مستطیل بلند به چشم می خورد (تصویر ۴) و نیز دایره های آبی رنگ که در زمینه ای نارنجی قرار دارند و درون هر کدام نیز یک چند ضلعی به شکل ستاره طلایی است و در هر ستاره نیز دایره های آبی رنگ جای دارد. نقوش لوبیایی شکل. (ریاضی، ۱۳۸۱، ۱۶۱)

نقوش مورد استفاده در پارچه که گاه به صورت بافت گاه ملیله دوزی یا دوخت با طلا و نقره بود، شامل نقش عقاب، شیر بالدار، گل و بته معمولی، پیکر و صورت آدمیان و حیوان است. عقاب یکی از نقوش مورد علاقه مردم آسیای غربی بوده و دلیل آن هم این است که این پرنده پر قدرت



تصویر ۲- تخت جمشید، طرح شیر برحاشیه دامن داریوش و خشایارشا: ماخذ: همان، ۱۸۹

درباره مهم ترین پارچه هایی که می توان به این دوره نسبت داد، توصیفی از نقش یک پرده است که نقوش آن به پوشش زنان یونانی اهل سوباریس^۱ نزدیک است. پارچه پانزده ذراع^۲ وزمینه آن به رنگ ارغوانی می باشد و بر روی آن شش خدای اصلی یونان است در حالی که دو طرف آن ها نقش الکیستنس^۳ دیده می شود. حواشی این پرده با نقشمایه های ایرانی تزیین گردیده است، چنان که در قسمت بالا و پایین تصویر جانوران مقدس دیده می شود. چنین تلفیقی از هنر یونان باستان و عناصر تزیینی شرق از ویژگی های این دوره است. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۵۰) نیلوفر آبی (لوتوس) یک گل مقدس در آیین مهر پرستی و آیین های دوره های بعد بوده است. لوتوس با برآمدن آفتاب بسته و با پایین رفتن آن باز می شده و مظهر خورشید و پیدایش نمادین به شمار می رود. در پارچه قبای داریوش، در درگاه غربی ضلع شمالی تالار کاخ داریوش و قبای خشایارشا در بدنه شرقی درگاه جنوبی کاخ هرمسرا در تخت جمشید، معمولاً گل های نیلوفر آبی «لوتوس» که جزو نقوش رایج آن



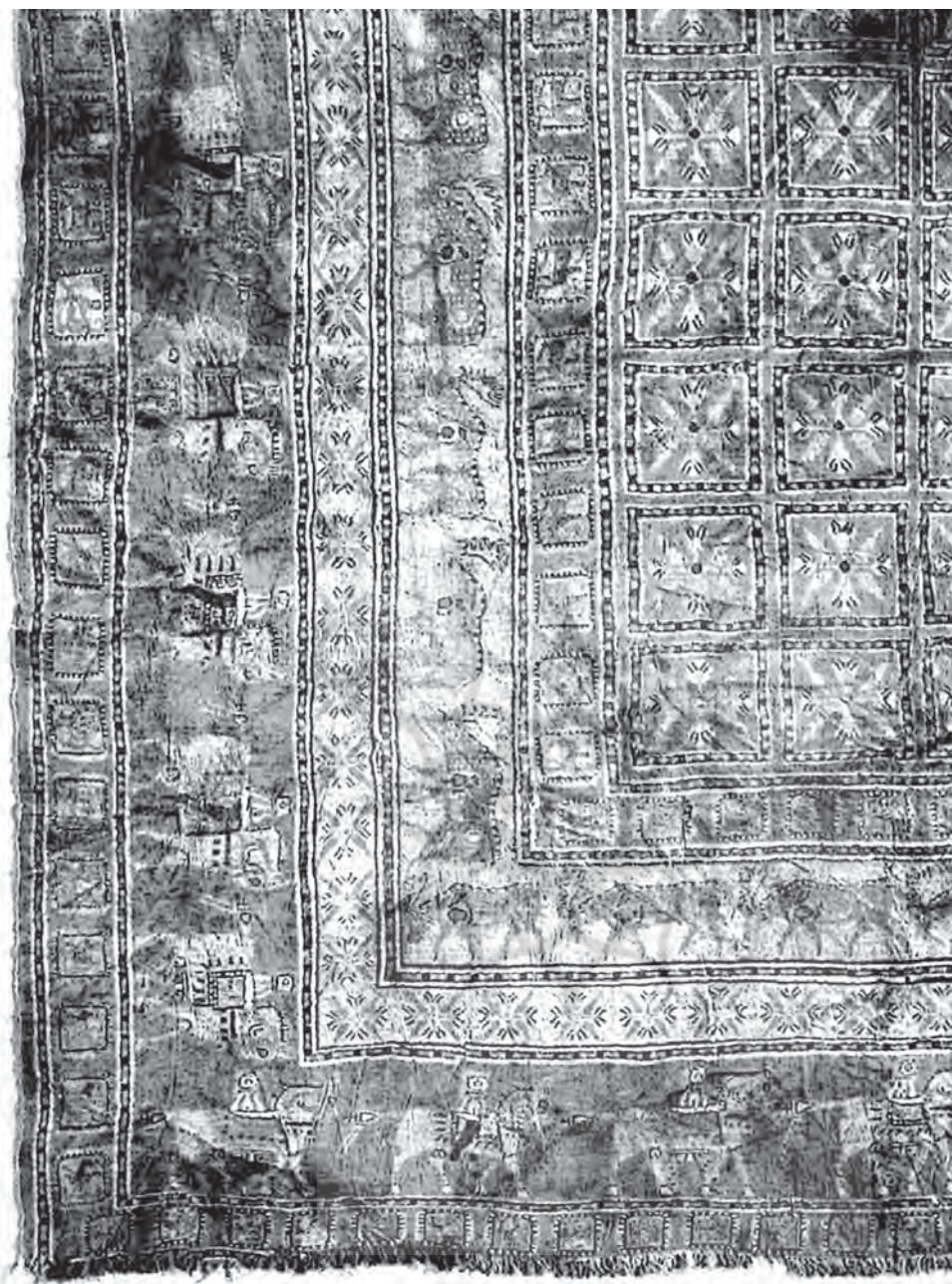
تصویر ۴



تصویر ۳

تصاویر ۳ و ۴ - نقش پارچه های هخامنشی با توجه به نقش کاشی های شوش ماخذ: همان، ۱۹۶ و ۱۹۷

۱- شهری در جنوب ایتالیا که یونانی نشین بود و مردمانش به خوشگذرانی معروف بودند. (پوپ، اکرم، ۱۳۸۷، ۸۸۷)
 ۲- هر ذراع برابر است با ۸ تا ۲۲ اینچ حدود ۲۰ تا ۵۶ سانتی متر یا از آرنج تا نوک انگشت. (همان)
 ۳- شاه یونانی اواخر سده ۵ پ. م. که تصویرش همراه با آتته و آپولون بر روی سکه ها دیده می شود. (همان)



تصویر ۵ - بخشی ازقالی معروف پازیریک، ۵۰۰ ق.م، ماخذ: www.wikipedia.org

حیوانی گیل گمش شاه خدای سومری و به دلیل شباهت شاخ های او به هلال ماه، موجودی مورد علاقه نگارگران بوده است. (همان، ۱۶۳)

ماه و خورشید هم از نقوش آن دوره است. خورشید روشنایی بخش، پاک کننده ناپاکی ها و دورکننده دیوان است و استمرار جهان خاکی است. (کریمی، ۱۳۸۱، ۱۱۵) رزت (کلچه) اصطلاحی برای گلبرگ های هلالی و آرایه های گل های پرپر موجود بر روی آثار پیش از تاریخ و دوران تاریخی ایران و هند می باشد و یکی از آرایه های اصلی دوره هخامنشی که به صورت شش گلبرگ و بیش تر با لبه های

و توانا نماد اهورمزدا، شمس و تمام ایزدان آسمان است. از این رو هنرمندان از این نقش بر روی تاج پادشاه و لباس ها و پرچم شان استفاده می کردند. (همان، ۱۶۲) عقاب با بال گسترده اغلب در مجسمه های پارسی دیده می شود و نقش عمده طاق بستان و پرچم ملی هخامنشیان است. شهرت شیر دال به عنوان نگهبان طلاست. (هال، ۱۳۸۰، ۱۴۵) هخامنشیان شاهین را نماد شاهنشاهی می دانستند و درفش خود را به آن می آراستند. (همان، ۷۳) نقش بز در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود از نظر شکل های مختلف می رسد. بز نماد نیروی زندگی و خالق قدرت، نگهبان درخت زندگی، نشانه



تصویر ۷- ملکه یا شاهزاده خانم های هخامنشی در برابر آتشدان،
ماخذ: یارشاطر، ۱۳۸۲

دین آزاد منشی را حفظ کردند و مانند رسم هخامنشیان در گوشه و کنار مملکت هر گروه و فرقه ای را در آیین خویش آزاد گذاشته بودند. در ایران زمان اشکانی دین واحد دولتی وجود نداشت» (بیانی، ۱۳۵۵، ۱۱۸) سلاطین اشکانی زرتشتی واقعی نبودند، هم چنان که توده مردم ایران نیز زرتشتی نبودند. (همان، ۱۲۱) گیرشمن معتقد است در این عهد تغییرات شکل ها خیلی عمیق بوده است زیرا به هیچ وجه شیوه زیبا پرستی یونانی را شامل نمی گردد و در آن دخالت ندارد. به نظر گیرشمن در ناحیه خاور نزدیک باستانی نیز بر اثر این تجدید حیات شیوه هنر یونانی کاهش می پذیرد و سرانجام ایران در عهد اشکانیان، با تکیه بر قدرت سنت های قدیمی اش خود را از قید نفوذ هنری یونانی گرای آزاد ساخت. (گیرشمن ۱۳۷۰، ۱۲-۱۵)

با شروع سلسله اشکانیان، اطلاعات بیش تری درباره هنر پارچه بافی در دست است، چرا که در این زمان تجارت ابریشم مستحکم و پابرجا گردید. با این که از زمان شروع این داد و ستد اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی مسلم است که با شروع سلسله هان در چین در سده دوم پ.م، باتسلط کامل بر تجارت ابریشم، چین توانست بر انواع مختلف ابریشم خام و ابریشم تابیده و بافته شده دست یابد. در این میان ایران نیز مانند یک رقیب تجاری سعی در حفاظت ابریشمی خود کردند. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۵۴)

در دوره اشکانی ابریشم از چین وارد ایران می شد و به صورت پارچه به کشورهای دیگر از جمله روم صادر می شد. در این دوره، ایران تحت تاثیر تجارت بین المللی که در طول جاده ابریشم بود. این مسیر که از شمال ایران می گذشت بر استفاده روز افزون پارچه های ابریشمی (در کنار پارچه های پشمی) تاثیر به سزایی داشت. نقوش روی آثار دوره اشکانی عموماً برای زمینه شامل دایره های متداخلی بود که



تصویر ۶- کاشی لعابدار سربازان جاویدان شوش ماخذ: محمد
پناه، ۱۳۸۶، ۱۱۶

هلالی تصویر شده است. (ریاضی، ۱۳۸۱، ۱۸۹)
از این دوران پارچه ای جز قطعات مکشوف از پازیرک که آن را منسوب به هخامنشیان می دانند بر جا نمانده است. (تصویر ۵) نقش این پارچه ها شامل بانوانی می باشد که در مقابل عود سوز (آتشدان) ایستاده اند و قطعه ای را که دارای نقش (ردیف شیران) است با استناد به کاربرد این نقوش بر روی مهرها و تزیینات معماری و نیز آجرهای لعابدار کاخ آپادانای شوش با نقش سربازان هخامنشی، متعلق به این دوره دانسته اند. (تصویر ۶)

در موزه آرمیتاژ یک کلیم پشمی وجود دارد که در پازیرک پیدا شده و روی آن ملکه هایی مقابل آتشدان ایستاده و مراسم مذهبی را انجام می دهند. (تصویر ۷) این دوران بنا به گفته مورخان به داشتن پارچه های پشمی نرم و لطیف مشهور بوده و بافندگان برای ازدیاد عمر پارچه و نیز شفاف نگه داشتن رنگ آن از غسل و موم استفاده می کردند. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۵۱)

اشکانیان

اشکانیان در سال ۲۲۴ م، برپهنه وسیعی که شامل ایران و قسمتی از ممالک مجاور آن بود حکومت کردند. سلاطین اشکانی به تقلید از هخامنشیان خود را شاه می نامیدند و عنوان هایی چون برادر آفتاب و ماه، پسر خدا، عادل و امثال آن ها را نیز بر نام خویش می افزودند. (که بر روی برخی سکه های این دوره نقش یافته است) اشکانیان شاه را مقدس می دانستند و نام او را بعد از مرگ با احترام و ستایش یاد می کردند. (رضایی، ۱۳۷۲، ۲۰۷-۲۰۸) «قوام پارتی در

۱-منطقه ای در منتهی الیه شرقی ایران در دوره اشکانی که در حال حاضر جزئی از کشور چین می باشد. (همان، ۸۸۹)

اسکندر، هنر هخامنشی در ایران متوقف شد، اشکانیان نیز ابتدا خواستار یونانیان بودند ولی بعد از سده اول میلادی کم کم سعی کردند از زیر نفوذ آنان خارج شده و سنت ها و آیین های اصیل ایرانیان را احیاء نمایند. در مجموع این دوره را می توان دوره پیوستگی میان هخامنشی و ساسانی دانست. (پوپ، ۱۳۸۷، ۱۱۰)

ساسانیان

این سلسله با پادشاهی اردشیر بابکان در سال ۲۲۴ میلادی تشکیل شد و تا سال ۶۵۱ میلادی با مرگ یزدگرد سوم پایان پذیرفت. ساسانیان مذهب زرتشت را در ایران رسمی نمودند و تا آن زمان ایران مذهب رسمی نداشت و اقوام تابعه ایران هر یک در معتقدات مذهبی خود آزاد بودند. (پیرنیا، ۱۳۵۸، ۲۲۷) هنر ساسانی برگرفته از عناصر هنری کهن می باشد که در قالب ذوق و سلیقه عصر ساسانی وارد شده است. این هنر سنت های هخامنشی و اشکانی را در بر دارد و از لحاظ عظمت با هنر بیزانس برابری می کند و گاه آن را تحت نفوذ قرار می دهد. هنر ساسانی را باید هنری شاهانه دانست چراکه بیش تر اختصاص به باز نمایی اعمال و احوال پادشاهان مختلف داشت، اما در عین حال به طیف گسترده ای از نگاره، نقوش گیاهی، جانوری و پرندگی گاه با کاربردهای نمادین یا رمزی، نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است. (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۱۲۳)

صنعت نساجی ساسانی از طرح ها و نقوش مجسمه سازی، سفال سازی و نقوش تزئینی بهره مند شده است. صحنه های پیروزی شاه بر حیوانات در منسوجات نیز نقش بسته و در کارگاه ها نساجی تاثیر به سزایی گذاشت. در این دوره پارچه ها معمولاً از ابریشم و کرک و پشم بافته می شد و در پرورش کرم ابریشم در ایران رایج گردید و مراکز عمده ابریشم و حریر بافی در خوزستان (شوش) بوده است. در حال حاضر ۶۰ قطعه پارچه دوره ساسانی در دست است و ۲۵ نوع نقش پارچه روی حجاری های طاق بستان نمایش داده شده که می تواند راهنمای خوبی برای منسوجات این دوره باشد. (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷، ۸۷۴)

بافته های کارگاه ها عبارت بود از: حریر موج دار الوان به نام (غنایی)، ابریشم های جناغی با گل نقش ها، پارچه های حریر، مطرن، دیبا و دمشقی، فریشنه ها و روپوش های



تصویر ۸- تکه پارچه ای مکشوف از لولان، نقشمایه گل زنبق آبی، ماخذ: پوپ، ۱۳۷۸، ۸۵۵

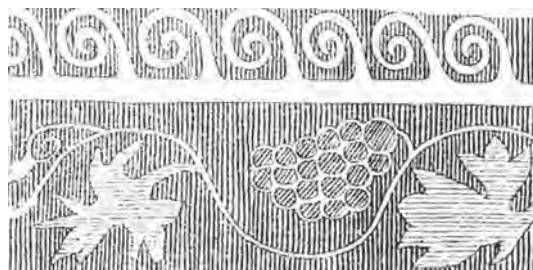
لوزی و گل چهار پر را تشکیل می داد. در حاشیه نوارهای مارپیچ با نقوش داخل کار می شد. در نقشمایه های مکشوف از لولان ۱، نقش گل زنبق آبی دیده می شود که به شیوه یونانی شبیه به فلس و به دنبال هم در یک ردیف تکرار شده است. (تصویر ۸)

همچنین نقش درخت زندگی که در قسمت بالای آن سر یک شاهین در حال رویارویی با یک شیر دال «عقاب» مشاهده می شود. نقشمایه درخت مو با ساقه ای موج که به درخت مو (بلخی) معروف است (تصویر ۹)، نشان دهنده تاثیر هنر هلنی شرقی است. دو نمونه پارچه باشیوه تزئینی شبکه ای (خانه خانه) از زمره این گروه است. یک پارچه با طرح های خطی که در میان نوارهای موج قرار دارند و دیگری با نقش قوچ هایی که روبه روی هم قرار گرفته، تزئین شده است. نقش چهار شیر که به صورت جفت مقابل هم قرار دارند. (تصویر ۱۰) در این جا نقش شیر به عنوان نماد خورشید و دایره البروج است که بعدها در دوره ساسانی به طور متداول بر روی پارچه ها دیده می شود. نقش برگ های شکل قلب و پیچکی نیز از مشخصات ویژه اشکانیان است. نحوه قرار گرفتن موجودات با رعایت اصل تقابل و تقارن، هم در دوره هخامنشیان و هم پس از آن در عصر ساسانیان نادر است. با ذکر همین چند نمونه می توان نتیجه گرفت هنر پارچه بافی اشکانیان از میراث هنرمندان سه منشاء اصلی ترکیب یافته است: اول از طرح های هندسی و نقوش گیاهی که ریشه یونانی داشت؛ دوم نقشمایه های نیمه طبیعی و تجریدی که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند؛ و سوم استفاده از نقش حیوان به عنوان نماد که در هنر پارچه بافی دوران بعد، از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. (همان، ۸۵۸)

نقوش روی آثار دوره اشکانی که اغلب برای زمینه استفاده می شد شامل دایره های متداخلی است که تشکیل لوزی و گل چهار پر را می دهد و در حاشیه نوارهای مارپیچ با نقوش داخل کار می شود. (الوند، ۱۳۶۳، ۹۸) بعد از حمله



تصویر ۱۰- قطعه پارچه منقوش با بافت مرکب از لولان، ماخذ: همان، ۸۵۶



تصویر ۹- تکه پارچه ای مکشوف از لولان، نقشمایه درخت مو، ماخذ: همان



تصویر ۱۲- قوچ، نقش جانوری، ماخذ: گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۷۸

بوده است. (تصویر ۱۵) عقاید و باورها اقوامی چون آشوری‌ها و هیتی‌ها درباره گریفین باعث شد که تصویر سیمرغ با گریفین درآمیزد و از حیوانی به شکل ساده چون عقاب صلح طلب، حیوانی مرکب از سگ، شیر، طاووس و شاهین پدید آید و خوی جنگجویی داشته باشد. نقشی که نشان سپاه ایران بوده و برکلاه شاهان نصب شده و بر مهرهای ساسانی با

صندلی، سایبان‌ها، چادرها، و غیره. این پارچه‌ها گاه به صورت قلابدوزی و یا چهل تکه اجرا می‌شده‌اند. (کریستینسن، ۱۳۸۵، ۴۲۱) نقوش مورد استفاده این دوره بر روی پارچه‌ها عبارتند از:

۱- **نقوش انسانی:** وجود شخصیت‌های انسانی در پارچه‌های دوره ساسانی نادر است، به جز تعدادی از آن‌ها که صحنه‌های شکار را نمایش می‌دهند و معمولاً در آن‌ها نیز نمایش افراد مشهور دیده می‌شود، در عین حال شاه محور نقوش انسانی در پارچه‌ها بود. نقوش انسانی از مضامین آن دوره هستند که اغلب در زمینه دارای تزیینات دایره وار بودند و علاوه بر این در متن آن‌ها طرح‌های بزرگی تصویر شده است. نقش شاه در شکار یا نبرد با حیوانات وحشی قرار دارد و جزو نقش‌های مهم انسانی است. (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۳۰۱) (تصویر ۱۱)



تصویر ۱۱- سواری که خود بر سر دارد، از نقوش انسانی، ماخذ: گیرشمن، ۱۳۷۲، ۲۳۴

۲- **جانوری:** قوچ که مظهر (خورنه)، (فره) و نشان قدرت شاهی و نماد پیروزی است و بز نماد نیروی زندگی و خالق نیرو، نگهبان درخت زندگی، موجودی مورد علاقه نگارگران بوده است. در دوره ساسانی از این نقش زیاد بر روی پارچه‌ها استفاده شده است. (صمدی، ۱۳۶۷، ۱۶۳) (تصویر ۱۲) سرگراز هم تصویری است که در تاج‌های دوره ساسانی مشاهده می‌شود، همچنین سیمرغ موجود افسانه‌ای بالدار با سر سگ، پنجه شیر و دم طاووس نیز در هنر ساسانی متداول



تصویر ۱۴- نقش گیاهی، قطعه پارچه با طرح رزت چهارپر، ماخذ: fukai, 1991, 48

دارد که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کند. (همان، ۹۳) در دوره ساسانیان شاهین مقام ایزدی دارد و در شکل های گوناگون ارایه شده است و در آیین زرتشت نیز جایگاه ویژه ای دارد. در سنت ایرانیان باستان شاهین نماد دیگر ایزد بهرام است. (همان، ۵۱)

۴- نقش گیاهی

در میان گیاهان می توان به انار، گل سرخ و نخل اشاره کرد. انار همواره مقدس بوده و این میوه دانه دار نشان و نماد باروری آناهیتا است. (کریمی، ۱۳۸۱، ۱۱۶) گل سرخ (رزت) در دوره ساسانی نماد سنتی خورشید و بازگوکننده نیروی زندگی بخش است. (صمدی، ۱۳۶۷، ۳۶) رزت (گلچه) اصطلاحی برای گل های پرپر با گلبرگ های هلالی می باشد. تزیینات به شکل قلب به صورت نقش رایج در اواخر دوره ساسانی متداول بود و در حجاری های طاق بستان نیز دیده می شود. علاوه بر این، تکرار موضوعات منفرد و یا مرکب به شکل گلچه، گل چهارپر و قاب های لوزی شکل نیز متداول بود. (ریاضی، ۱۳۸۱، ۱۸۹) (تصویر ۱۴) اگر پارچه با نقش پرنده و گل (نخل) باشد مربوط به لباس خدمه دربار و افراد معمولی است. در کل اشکال به صورت همنشینی یا استقرار



تصویر ۱۵- نقش مدالیون، ماخذ: قطعه پارچه با طرح سیمرغ، کیریشمن، ۲۲۹، ۱۳۷۰



تصویر ۱۳- خروسی که هاله بسر دارد، نقش پرنده، ماخذ: موزه واتیکان

عنوان نمادی از شکوه و جلال شاهنشاهی ساسانی دیده می شود، اسب بالدار هم تغییر شکل از خدای ورثرغن بوده است.

۳- پرندگان

درنا، لک لک، حواصیل و قو. بسیاری از پارچه های ساسانی دارای نقش پرنده هستند و در متون مقدس اوستا پرندگان از زیبایی ظاهری برخوردارند. پرنده در داخل قاب های دایره ای واقع شده (ضمیران، ۱۳۸۳، ۷۲) سیمرغ به عنوان پرنده خوش یمن، مبارک و باشکوه برای تاکید بیش تر بر تری شاه و به ویژه روی لباس شاه و برگزیدگان خاندان سلطنتی دیده می شود. (فریه، ۱۳۷۴، ۱۵۵) سیمرغ از علایم و نشانه های نجاست و با خدای محافظ سروکار دارد و هر کس آن را داشته باشد از شر دشمن در امان است و نیروهای زمینی و کیهانی پادشاه حامی و پشتیبان اوست. (همان، ۱۵۷) قدیمی ترین نقش سیمرغ بر روی سکه بهرام دوم بوده است. (ریاضی، ۱۳۸۱، ۱۷۸) نقش سیمرغ به عنوان حیوانی مرکب از شیرو پرنده برای اولین بار در حجاری طاق بستان استفاده شده است. (هال، ۱۳۸۰، ۱۴۵) عقاب، پرنده پر قدرت و توانا نماد اهورمزدا، شمس و تمام ایزدان آسمان است، پرنده در داخل قاب ها در بسیاری از زمینه های هنر ساسانی مشاهده می شود. در دوره ساسانیان شاهین مقام ایزدی دارد و در شکل های گوناگون ارئه شده و در آیین زرتشت نیز جایگاه ویژه ای دارد. خروس نماد گسترده روح به ویژه پس از مرگ است. (تصویر ۱۳) به تعبیر دیگر نشانه خروس به معنای علامت رسمیت است. (ضمیران، ۱۳۸۳، ۳۹-۴۱) مرغابی هم از نقوش مورد توجه بوده و در این زمینه می توان به طاووس و شاهین اشاره کرد. طاووس نشانه آسمان پرستاره است. طاووس که خودش را از زمین نمی داند و بر آن است تا از زمین رفته و به جایگاه اصلی خود برسد. در واقع جامه هایی با چنین نقشی، جامه خاندان سلطنتی بوده است. آن دسته از شاهان و دلیرانی که مربوط به زمان این پوشش می شده اند اهل شجاعت و مردانگی بودند و اعتقاد داشتند هنر جهت خدمتگزاری به دین است. در کل استفاده از این پرنده در طرح های پارچه یا آثار هنری اشاره به روحی



تصویر ۱۶-۲ - ماخذ: همان



تصویر ۱۶-۱ - مجموعه ای از نقوش، ماخذ: همان، ۲۳۲

تازه است. (صمدی، ۱۳۶۷، ۳۶) ماه با شاهان ساسانی و تاج آن‌ها همراه است.

دیهیم یا همان نوارهای موجی که به گردن یا منقار یادم اسب بسته می‌شود. اغلب آرایه‌های جانوری و گیاهی درون قاب‌های حلقوی و بیضی استفاده می‌شد. خروس بزرگ در قاب مدور، مردی با شیری درنبرد است، شکارچی با تیر و کمان در حال شکار شیر درون دایره، تصاویر حیوانات خیالی مانند عنقا، دیوی که دم طاووس دارد، اسب و گاو بالدار، قوچ، گراز وحشی، اسبی درون قاب، پرندگانی که در دور گردن آن‌ها نوارهای مخصوصی است. اشکال بیضی و دایره، دایره‌های مماس بر هم، نقوشی مانند قلب، نقش اردک با گردن بندی در منقار، شاه سوار بر اژدها، جنگ شاه با حیوانات افسانه‌ای، نقوش بته (هوم)، حیواناتی با بدن اسب و شاخی بر پیشانی، عنقا با تنه شیر و دم طاووس، پرندگان و حیوانات در دوایری روبه روی هم، گل‌های چهار پر، شطرنجی، بز کوهی، خروس، مرغابی، حواصیل، نقوش ستاره، تاجی از مروارید در اطراف هلالی، سرگراز، درخت بید و نارنج و انواع گل‌های زیبا، با طرح‌های گرد و چهار پر، شاخ و برگ و تاج پیچ در پیچ، گل و ستاره که اغلب این نقوش درون قاب تصویر می‌شد. (فریه، ۱۳۷۴، ۱۰۷) درباره استفاده از قاب‌های حلقوی باید گفت: دایره رمزی نیرومند شمرده می‌شد. تاج‌شاهی ساسانیان مستدیر بود و بسیاری از شاهان نیز تاج خود را به حلقه‌های مروارید و نیم تاج‌های مروارید می‌آراستند. در میان قاب‌ها شکل دایره یا شمس تبرک داشت و اهمیت نقشمایه درونی خود را به تأیید می‌رساند. (شایسته فر، ۱۳۸۲، ۴۱) دایره نماد آسمانی و مظهر آزادی است و اگر دایره شکل خود را به هر طریقی از دست بدهد و مربع شود، چاره‌ای جز توقف نخواهد داشت. دایره به معنای چرخ زندگی و حیات است. مروارید



تصویر ۱۶-۳ - ماخذ: Haper, 1978, 35

جانیشینی هستند که طرحی با این شیوه، اشاره به زندگی متحول شده و سپس شکل گرفته فردی دارد که این لباس را بر تن کرده است. (کریمی، ۱۳۸۱، ۱۶۵)

۵- مدالیون^۱

باید گفت این نقش کاملاً ایرانی و ساسانی است. (همان، ۱۳۳) همچنین دایره با آذین مروارید در جامه ملازمان شاه در صحنه شکارحجاری‌های طاق بستان مشاهد می‌شود. (تصویر ۱۵)

۶- سایر نقوش

ماه نماد جهان، نمادی از الهه مادر و قدرت زنانگی و ملکه بهشت و نشانه قدرت معنوی، عظمت، روشنایی و تولد

۱- مدالیون‌ها بیش‌تر از پیوستن دانه‌های شبیه به مروارید در کنار یکدیگر و گاهی سایر نقوش گیاهی و تزئینی در ترکیب این نقش شرکت دارند. در توضیح بیش‌تر باید گفت این‌واژه فرانسوی است و معادلی فارسی برای آن در نظر گرفته نشده است.

گیاهان ساده شده، برگ خرما به شکل بال، موجود نیمه مرغ و نیمه حیوان که تاجی در منقار دارد. فرشته پیروزی، حیوان دو قلو با یک سر، علاوه بر نقوش اساطیری، و دیگر مضامین رایج کلی در هنر ساسانی، پارچه های ساسانی از صحنه تاج بخشی، این هنر ساسانی بی نصیب نمانده اند. (گیرشمن، ۱۳۷۰، ۲۹۱) در مجموع در هنر ساسانی اصول صحیح و منطقی هنر تزئینی رعایت می شده و رنگ آمیزی کارهای هنری آن دوران پر مایه و آرام بخش و با عظمت بوده است.

یا گل دانه های تسییح وار نماینده تمایلات زمینی هستند که خدا بر اساس رحمت خود آن ها را می پذیرد و پرستنده را از امیالش آزاد می سازد. (صمدی، ۱۳۶۷، ۲۲) نقش حیواناتی نظیر شیر در بیش تر منسوجات دیده می شود و البته بافنده، اسبان و پرندگان را نیز جانشین می کند. این بافته ها از نظر رنگ آمیزی با یکدیگر تفاوت دارند. نقش مایه کهن درخت زندگی و نگهبانان آن که در اوستا نیز حضور دارند و موضوع بافته های ساسانی هم بوده است. (مجموعه تصویر ۱۶)

نتیجه

به طور کلی پارچه ها از نظر ویژگی نقوش در دوره های مختلف هنر ایرانی دارای تغییر و تحولاتی بوده است. پارچه های هخامنشی با نقش حیوانات، فرشتگان اساطیری و اندام انسان عاری از جزئیات بود. پرده های زیبا در قصر هخامنشی با استفاده از نقوش کاشی های رنگی (با اشکال جانوران و افراد) به رنگ های کبود، زرد، سفید و سیاه است. همچنین در این دوره بود که تکرار یک نقش در یک جهت رایج گردید و از نقوش زینتی که بیش تر ردیف شیران بود برای حاشیه لباس ها استفاده شد. کاربرد نقش حیوانی کم و در مقابل نقش انسانی بسیار است. نقوش پارچه های اشکانی همچون هخامنشی تحت تاثیر هنر یونان قرار داشت با این تفاوت که از ابداعات بسیاری هم برخوردار بود. در آغاز تقلید از هنر یونان بود، سپس از پایان سده اول میلادی تلفیق شرقی و یونانی شد. از نیمه سده دوم میلادی تا پایان آن شکل ها جنبه تزئینی پیدا کردند که تلفیق هنر هندسی با هنر ایران و طبیعت گرایانه بود، اما به تدریج رو به انحطاط رفت. نقوش پارچه ها هم چون دوران قبل شامل نقوش حلقوی، مربع شکل، مربع، دایره میان دو خط موازی، گل قلبی شکل، گل پیچک، شاخه درخت مو، گل چهارپر، حواشی تزئینی، برگ برای تزئین بود و شکل قرار گرفتن نقوش به شیوه شبکه ای یا هفتی هشتی بوده است. همچنین در نقوش طرح کمر بندی شکل با اتصال نقوش محکم به هم به چشم می خورد. ساسانیان علاقمند به احیای شیوه هنر هخامنشیان بودند و در واقع شیوه هنر ساسانی، هنر ایرانی با نگاه نوین ولی با سنت هخامنشی و پارتی است. در بافت پارچه ساسانی ابریشم و حریر نازک نیز اضافه گردید و تولید پارچه به شیوه ای ظریف رواج یافت. از ویژگی های نقوش این دوره، نقش سواران متقابل در روی پارچه های پشمی است. همچنین نقش های سه نقطه، قلب برای تزئین، تزئینات چرخ وار و حیوانات عابر و نقش شکار بر روی پارچه ها وجود داشت. علاوه بر این در دوره ساسانی به شکل های مربع، حلقوی (دایره و بیضی)، لوزی، هشت ضلعی و ترنج افزوده شد. علاوه بر آن به هر یک از طرح های شبکه ای و هفتی هشتی، نوع متقارن آن هم اضافه شد. در نقوش پارچه ساسانی تصویر جانوران نسبت به دیگر نقوش بیش تر است و قاب دایره و بیضی نیز مشاهده می شود. در این دوره قرار گرفتن نقوش در داخل قاب رواج یافت و به علت تکرار نقوش در ردیف های منظم می توان گفت تجدید شیوه هخامنشی است. اما فواصل نقوش در دوره ساسانی بیش تر دیده می شود و نقش های هندسی و شبکه های لوزی، چهره انسانی با هاله ای در دور سر، دایره های چرخ دار گل و برگ ها، برگ نخل، زینت های مارپیچی به شکل برگ، دایره باشکل مروارید یا یک جفت بال گسترده، نقش قوچ با شاخه هایش، نقوش گیاهی که خود تشکیل اشکالی مانند لوزی می دهند، طرح پارچه ها هم مورد نظر بوده است به عنوان نمونه تصویر خاص در یک پارچه به معنای دعای خاص یا آرزوی خوشبخت شدن کسی بود که یا به او هدیه داده می شد یا برایش بافته می شد.

منابع و ماخذ

- الوند، احمد، صنعت نساجی ایران از دیر باز تا امروز، پلی تکنیک، تهران، ۱۳۶۳.
- بهنام، محمدپناه، کهن یار، انتشارات سبزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۶
- بهار، مهرداد، ادیان آسیایی، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۵.
- بیانی، شیرین، شامگاه اشکانیان و بامداد ساسانیان، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
- پوپ، آرتور آپهام و اکرم، فیلیس، سیری در هنر ایران، ویرایش سیروس پرهام، جلد ۲، چاپ نخست، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- پوپ، آرتور آپهام و اکرم، فیلیس و شرودر، اریک، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۷.
- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، کتابخانه خیام، تهران، ۱۳۵۸.
- دالمانی، ه، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه بهرام فره وشی، گیلان، ۱۳۲۸.
- ذکاء، یحیی، پرتوی نوین بر دین هخامنشیان، مجله هنر و مردم، بهمن و اسفند، شماره ۱۲۴، تهران، ۱۳۵۱.
- رحیمی، پرچهر، تاریخ پوشاک ایران (نگرشی بر پوشاک ایرانیان از هزاره پنجم پیش از میلاد تا اواخر دوره هخامنشی، دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۸۵.
- رضایی، عبدالعظیم، تاریخ ده هزارساله ایران، جلد اول، اقبال، تهران، ۱۳۷۲.
- ریاضی، محمد رضا، بافته ها و نقوش ساسانی، گنجینه هنر، تهران، ۱۳۸۱.
- شایسته فر، مهناز، فصلنامه جلوه هنر، بررسی تطبیقی نگاره های آل بویه و ساسانی، شماره ۲۲، تهران، ۱۳۸۲.
- صمدی، مهرانگیز، ماه در ایران، اشراقی، تهران، ۱۳۶۷.
- ضیمران، محمد، نشانه شناسی هنر، نشر قصه، تهران، ۱۳۸۳.
- فریه، ر دلیو، هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، نشر و پژوهش فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۴.
- کریستین سن، آرتور، شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، کمیسیون معارف، تهران، ۱۳۱۴.
- کریمی، سعید، نمادهای آیینی، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور، تهران، ۱۳۸۱.
- گیرشمن، رومان، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، مترجم بهرام فره وشی، علمی فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۰.
- هال، جیمز، فرهنگ نگاره ای نمادها در شرق و غرب، رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۰.
- وسیهوف، یوزف، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، ققنوس، تهران، ۱۳۷۷.
- یارشاطر، احسان، پوشاک در ایران زمینی، ترجمه پیمان متین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.